الولد الشفیق

اثری ارزشمند از اواخر دوران سلجوقیان آناتولی

(تألیف ۷۳۳ قمری)

علی ارطغرل*
ترجمه: دکترنصرالله صالحی**

یادداشت مترجم:

با شکست بیزانس در ملازگرد و مهاجرت تدریجی ترکان مسلمان به آسیای صغیر (آناتولی)، زبان فارسی که یکی از مظاهر بارز و برجسته فرهنگ و مدنیت ایرانی و اسلامی است، در قلمرو آناتولی رواج یافت. این زبان حتی چند سده زبان رسمی و درباری سلجوقیان روم گردید. زبان فارسی که نزد ترکان بیشتر زبان شعر و ادب و امور اداری بود، در دوره سلجوقیان آناتولی و نیز در دوران حکومت عثمانی از جایگاه خاصی برخوردار شد. در قلمرو حکومت هر دو سلسله، صدها کتاب نظم و نثر به زبان فارسی نوشته شد. کتاب الولدالشفیق یکی از آن کتاب ها است که در سال های پایانی حکومت سلاجقه آناتولی، یعنی در سال ۷۳۳ قمری، توسط قاضی احمد نگیدی با استفاده از منابع مختلف عربی به فارسی ترجمه و تألیف شده است. با این که شماری از مهمترین منابع و متون تاریخ و ادب فارسی توسط دانشمندان ترک به نحوی شایسته تصحیح انتقادی شده و انتشار یافته است، این اثر تاکنون به صورت نسخه خطی باقی مانده است. خوشبختانه یکی از دانشجویان محقق اهل ترکیه که در حال گذراندن دوره دکترای تاریخ در دانشگاه نهم ایلول ازمیر است، چندسالی است که وقت خود را وقف تصحیح این اثر کرده است. ایشان بنا به درخواست راقم این سطور معرفی مختصر و مفیدی از الولدالشفیق به ترکی به قلم آورد که ترجمه آن به خوانندگان محترم تقدیم می گردد.

کوپرولی در کتاب «تاسیس دولت عثمانی» درباره اهمیت «الولد الشفیق» در روشن ساختن تاریخ دینی و اجتماعی سده هشتم آناتولی بحث کرده است

الف: در باب الولدالشفیق

یکی از پادشاهان عثمانی به نام **سلطان محمود اول** (سلطنت: ۱۱۶۷-۱۱۴۲ق.) با بیان این عبارت که: «من فرصت مطالعه ندارم و شاهزادگان نیز علاقه‌ای به مطالعه نشان نمی دهند، پس باید کتاب‌ها را در دربار حبس نکرده و در خارج از سرای در دسترس مردم گذاشت»[1] اقدام به تأسیس کتابخانه های فاتح، ایاصوفیه و نورِ عثمانیه نمود و بسیاری از کتاب های موجود در دربار را وقف این کتابخانه‌ها کرد. در میان کتاب‌هایی که به این طریق به کتابخانه‌های مذکور اهداء گردید، سه کتاب مهم مربوط به دوره سلجوقیان آناتولی نیز وجود داشت: «انیس القلوب» (ایاصوفیه، ش: ۲۹۸۴)[2] الاوامرالعلائیه فی الامورالعلائیه (ایاصوفیه، ش: ۲۹۸۵)[3]، مسامرالاخبار و مسایرة الاخیار (ایاصوفیه، ش: ۳۱۴۳؛ تورخان والده، ش. ۸۲۷)[4] و الولدالشفیق و الحافد الخلیق (فاتح، شمارهٔ قدیم ۴۵۱۹، شمارهٔ جدید ۴۵۱۸)[5]. با توجه به شمار محدود منابع مربوط به دوران سلجوقیان آناتولی[6] که آن ها نیز در کتابخانه اختصاصی دربار عثمانی نگهداری می شدند، اقدام سلطان محمود در اهداء این کتاب ها به کتابخانه مذکور که موجب در دسترس قرار گرفتن غیر درباریان شد، دارای اهمیت خاصی است.

محمد فؤاد کوپرولی در مقاله بسیار مفصل «منابع محلی تاریخ سلجوقیان آناتولی» راجع به کم شمار بودن منابع سلجوقیان و نیز اهمیت این منابع در روشن ساختن تاریخ این دوران به بحث پرداخته و به این جهت تمام منابع ذکرشده را به دقت مورد بررسی قرار داده است. وی در مقاله مذکور، کتاب الولدالشفیق را اثری «التقاطی»[7] دانسته و مهم‌ترین بخش آن را قسمت های آخر بخش دوم و نیز مشاهدات و افکار مؤلف که در قسمت های مختلف کتاب خودنمایی می کنند، دانسته است[8].

کوپرولی در یکی از کتاب های خود به نام تأسیس دولت عثمانی نیز بار دیگر درباره اهمیت الولدالشفیق در روشن ساختن تاریخ دینی و اجتماعی سده هشتم آناتولی بحث کرده است.[9]

بعد از **کوپرولی**، تنها کسی که درباره الولدالشفیق بحث مفصل‌تری نمود و مقاله مستقلی نیز به قلم آورد، **محمد آلتای کویمن**،[10] بود. وی در مقاله‌ای با عنوان: «الولدالشفیق، منبعی جدید

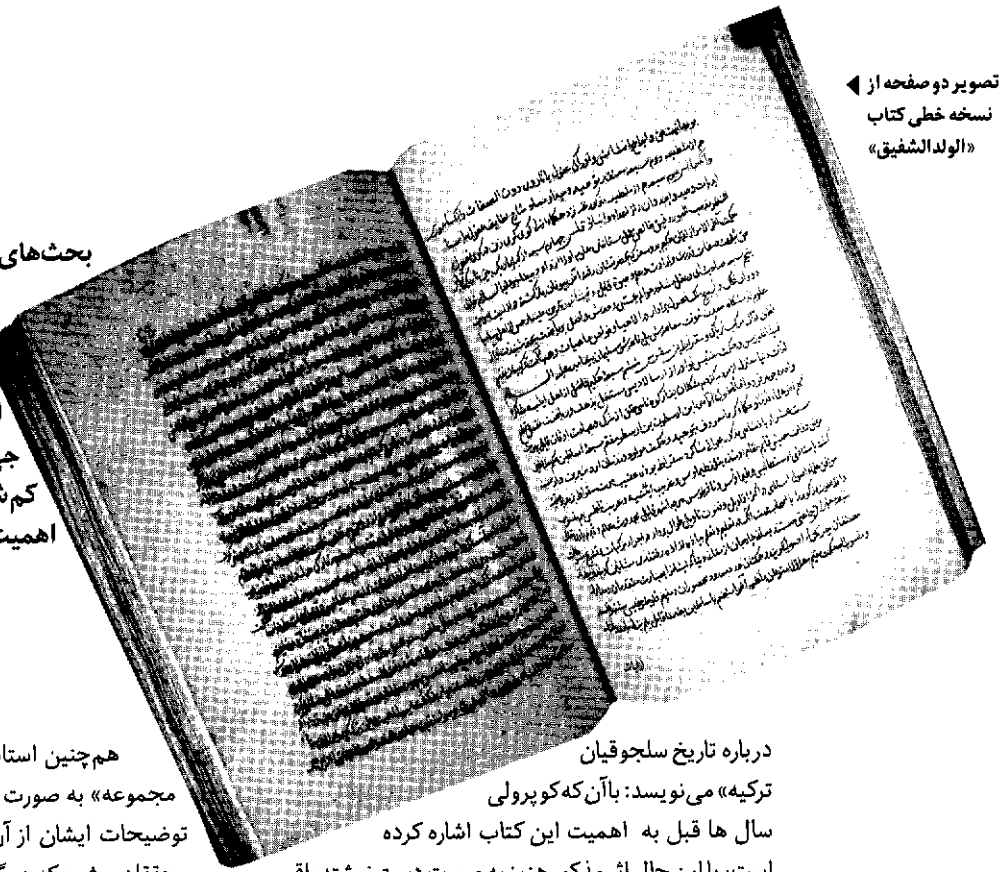

تصویر دو صفحه از نسخه خطی کتاب «الولدالشفیق»

بحث‌های مربوط به سلجوقیان و مشاهدات و تدقیقات شخصی قاضی احمد نگیدی در کتاب الولدالشفیق بیشتر از آن جهت که منابع دوره سلجوقی کم‌شمار است، دارای ارزش و اهمیت بسیار است

درباره تاریخ سلجوقیان ترکیه» می‌نویسد: با آن که کوپرولی سال ها قبل به اهمیت این کتاب اشاره کرده است، با این حال اثر مذکور هنوز به صورت دست نوشته باقی مانده و کسی اقدام به تصحیح و انتشار آن نکرده است.[11] کویمن در مقاله خود فهرستی از محققانی که در آثار خود از این اثر استفاده کرده اند را ذکر نموده و در ادامه ضمن توصیف کلی کتاب، بیشتر راجع به بخش دوم آن (درباره «تاریخ اسلام و خاندان های مختلف از ظهور اسلام تا عصر مؤلف») ، بحث نموده است.[12]

تاکنون کتاب الولدالشفیق آن گونه که شایسته است شناخته نشده و راجع به آن بررسی و تحقیق بسنده‌ای صورت نگرفته است

از مورخان معاصر ترکیه که راجع به الولدالشفیق اظهار نظر کرده‌اند می توان به دو نفر اشاره کرد: یکی استاد **اردغان مرچیل** و دیگری استاد **اسماعیل آکا**.[13] در پژوهش‌هایی که در دهه‌های اخیر درباره تاریخ سلجوقیان در ترکیه صورت گرفته است، با آن که در بیشتر آن ها به الولدالشفیق استناد شده و از اهمیت آن سخن به میان آمده است،[14] با این حال اثر مذکور کماکان به صورت دست نوشته باقی مانده و در معرض استفاده گسترده تر قرار نگرفته است.

در ایران، بر خلاف ترکیه، هنوز در هیچ یک از پژوهش‌های مربوط به تاریخ سلجوقیان از الولدالشفیق استفاده نشده است. با این حال تنها یکی دو نفر از محققان و دانشمندان ایرانی در آثار خود، به صورت مختصر به معرفی آن پرداخته اند. از جمله **محمد امین ریاحی** در دو اثر خود، کتاب الولدالشفیق را با اندکی تفاوت معرفی کرده است.[15]

عبدالکریم گلشنی در مقدمه کتاب فرهنگ ایران در قلمرو ترکان... فهرستی از کتاب های مربوط به سلجوقیان آناتولی، از جمله الولدالشفیق را ذکر کرده است.[16] **مهدی درخشان** نیز در مقاله «نثر زبان فارسی در ترکیه» به اختصار به معرفی الولدالشفیق پرداخته است.[17]

هم‌چنین استاد **ایرج افشار** در مقاله «فهرستی از چهل مجموعه» به صورت مختصر الولدالشفیق را معرفی کرده است. توضیحات ایشان از آن جهت دارای اهمیت است که بر خلاف محققان پیشین که همگی نسخه خطی موجود در کتابخانه سلیمانیه را معرفی کرده بودند، نسخه ای دیگر از الولدالشفیق را معرفی کرده است.[18] تا امروز اعتقاد بر این بود که نسخه موجود در سلیمانیه یگانه نسخه الولدالشفیق است. چراکه هیچ کس به وجود نسخه‌ای دیگر از این اثر اشاره نکرده بود. اما توضیحات و معرفی استاد **ایرج افشار** که بر مبنای نسخه ای دیگر صورت گرفته است، بر نادرستی این اعتقاد صحه می گذارد. در مقاله **افشار** که به معرفی نسخه‌های خطی کتابخانه‌های مختلف اختصاص دارد، در ضمن ذکر فهرست نسخه های خطی موجود در کتابخانه شخصی آقای **حسن عاطفی** در کاشان، از نسخه خطی الولدالشفیق نیز یاد می‌کند و راجع به این نسخه به‌آوردن آگاهی هایی می‌پردازد که دلالت بر وجود نسخه ای دیگر از آن کتاب دارد.[19]

وی در معرفی این نسخه می نویسد: «الولدالشفیق: تألیف احمد بن موسی خُتنی قاضی مترجم تواریخ که در سال ۷۳۳ به نام علاءالدین فخر اُرغ جنکس خان و غیاث الدین وزیر (یعنی پسر رشید الدین فضل الله همدانی) تألیف کرده. نسخه مورخ ۷۴۱ هجری.»[20]

در ادامه این معرفی آمده است: «در ورق ۲۴۶ ضمن اخبار سال ۷۲۵ می نویسد که مصحوب عزالدین دانیال در نخجوان بود و حضرت رسول را در مدرسه و تربه اتابکان در دست دختر اندمین اتابک ایلدگز دیده بود.»[21]

نمونه‌ای از عبارت آن: «کتب تواریخ بازارستان مصر جامع است. هرچه خواهی آن جا یابی و به دقت دخول به بازار مطالعهٔ اخبار، عاقل از کردارهای نیک متقدمین آن چیز خَرد که خِرد پسندیده دارد و

◀ کتابخانه عمومی سلطان عبدالحمید
از کتاب: TÜRK DÜNYASI KÜLTÜR ATLASI (C.3)

در حقیقت الولدالشفیق یک اثر مستقل تالیفی به زبان فارسی نیست، بلکه قاضی احمد نگیدی باگردآوری مطالب مختلف از منابع عربی موجود اقدام به تلخیص و ترجمه‌آن‌ها به زبان فارسی کرده است

مغبون نیفتد و عاقل متاعی بستاند که خُسران را انگشت به دندان گیرد.»[۲۲]

از مباحثی که تا این جاآوردیم، دانسته شد که کتاب الولدالشفیق آن گونه که شایسته است شناخته نشده و راجع به‌آن بررسی و تحقیق بسنده‌ای صورت نگرفته است. به جز مقاله **محمد آلتای کویمن** که پیشتر بدان اشاره شد، بیشتر ارجاعات و بحث‌های مربوط به این کتاب در حد معرفی های کوتاه باقی مانده و هنوز بحث و فحص مبسوط و عمیقی در خصوص ویژگی‌ها و محتوای این اثر صورت نگرفته است.

ب: مشخصات نسخه خطی الولدالشفیق

نسخه الولدالشفیق که متعلق به کتابخانه سلیمانیه است، هشت سال بعد از تألیف آن (۷۳۳)،[۲۳] یعنی در سال ۷۴۱ قمری توسط **یوسف بن بنجار بن آلپ ارسلان** در دارالظفرِ **آقسرای** با خط نستعلیق که چندان پخته و زیبا نیست، استنساخ شده[۲۴] و دارای ۲۹۸ ورقِ بیست و سه سطری است. نوشته‌های بعضی از برگ‌های نسخه به علت زردشدن بیش از حد کاغذ و نیز در اثر رطوبت که باعث پخش شدن مرکب شده، تقریباً ناخوانا شده است.[۲۵] در متن نسخه بر روی کلمات و جمله‌هایی که غلط نوشته شده، خط کشیده شده و این‌ها همراه باکلمات و جملات جا افتاده در حاشیه نوشته شده است.[۲۶] نام کامل کتاب در دو صفحه نخست مقدمه که به عربی است چنین است: الولد الشفیق و الحافد الخلیق.[۲۷]

ج: محتوای الولدالشفیق

در حقیقت الولدالشفیق یک اثر مستقل تألیفی به زبان فارسی نیست، بلکه قاضی احمد نگیدی با گردآوری مطالب مختلف از منابع عربی موجود اقدام به تلخیص و ترجمه‌آن‌ها به زبان فارسی کرده است. وی کتاب را با مقدمه‌ای به زبان عربی آغاز می کند (b۱-a۲). سپس مباحث کتاب را به صورت موضوعی در پنج بخش می آورد. وی درآغاز هر بخش و گاهی در قسمت‌های دیگر کتاب رئوس مطالب اصلی بخش را ذکر می کند.[۲۸]

به عقیده نگیدی پرداختن به‌گذشته، حال وآینده در تاریخ نویسی برای‌آن است که انسان در حیات امروزی اخلاقی‌تر زندگی کند

مؤلف بعد از مقدمه، درباره علت تألیف این اثر به اختصار به بحث می پردازد (a۳-b۲). سپس اوصاف کسانی را که کتاب بدان‌ها تقدیم شده به تفصیل بیان می‌کند (b۴-a۳). با این حال اسامی اشخاص مذکور را نانوشته باقی می‌گذارد.[۲۹] مؤلف سپس به دغدغه‌های خود در نوشتن تاریخ و نیز فواید مطالعه تاریخ می‌پردازد (a۷-a۵).

مؤلف قسمت اصلی بخش نخست کتاب را باآوردن قصص انبیا از حضرت آدم تا حضرت پیامبر اکرم (ص) شروع می کند (a۹-a۶۷). وی در اواخر این فصل، ابتدا بحث کوتاهی درباره فیلسوفان یونانی ارائه کرده است. (b۶۷-b۶۹) سپس اسامی عرفا و حکمای اسلامی (b۶۹) و در نهایت اسامی پادشاهان ایران از **کیومرث** تا **یزدگرد** را ذکر کرده است (b۶۹-b۷۱). مؤلف در ضمن این مباحث برای جلب توجه خواننده گاه اقدام به نوشتن مطالب عجیب و غریب کرده است.

در بخش دوم کتاب (a۷۲-a۱۵۶) بعد از یک مقدمه کوتاه (a۷۲) حوادث دوران بعد از هجرت پیامبر (ص) به صورت سال به سال ذکر شده است. ابتدا دوران حضرت رسول (b۷۲-b۷۳) و بعد دوران خلفای راشدین و خلافت **امام حسن** (ع) به اختصار آورده شده است (a۷۴-b۸۵). بعد از این مطالب حوادث مهم دوران خلافت اموی (a۸۶-a۹۹) و عباسی (a۹۹-a۱۱۶) ذکر شده است.

در ادامه این بخش، بعد از ذکر خلافت خلیفه بیست و چهارم عباسی (الطایع)، خاندان‌های اسلامی چون آل بویه، بنی حمدان، اخشیدی، فاطمی و مرداسی معرفی شده‌اند (a۱۱۶-b۱۲۹). سپس

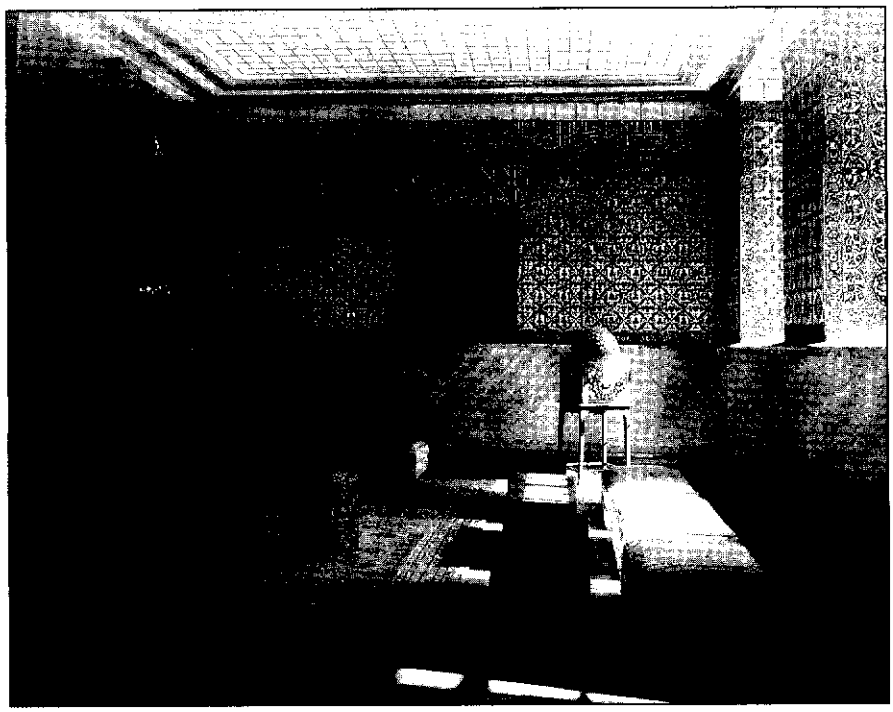

◄
کتابخانه و قرائت‌خانه سلطان محمود دوم
از کتاب: TÜRK DÜNYASI: KÜLTÜR ATLASI (C.3)

از دیدگاه نگیدی، تاریخ آن‌گونه که پاره ای از مورخان می‌اندیشند صرفا متعلق به «گذشته» و «حال» نیست، بلکه زمان «آینده» نیز می‌تواند از متعلقات مسائل تاریخ باشد

بحثِ خلفای عباسی از خلیفه بیست و سوم (المطیع لله) شروع و خلفای دیگر عباسی موضوع بحث قرار گرفته است (b۱۲۹-b۱۳۷). بعد از این مباحث، حوادث دوران مغولان، سامانیان و غزنویان (a۱۳۸-a۱۴۱) آمده است. این بخش با بحث درباره سلجوقیان بزرگ و سلجوقیان آناتولی پایان می یابد (a۱۴۱-a۱۵۶). مؤلف در بخش دوم، جدای از حوادث سیاسی، در هر جا که مناسب دیده به ذکر اولاد، احفاد، ازواج و اقربای حضرت رسول (ص) پرداخته است. سپس به ذکر اسامی مجددان، امامان مذاهب، پیشوایان مذهب شیعه، متکلمان، فقیهان، قاریان، محدثان و مشایخی که در پایان هر صد سال ظهور کرده‌اند، پرداخته است. مؤلف پیش از ورود به بحث سلجوقیان بزرگ و سلجوقیان آناتولی، ادعا می‌کند که پیش از این، کتاب مستقلی به نام سلجوق نامه[۳۰] تألیف کرده و مباحث مربوط به سلجوقیان الولد الشفیق خلاصه آن کتاب است.

مؤلف در بخش سوم (b۱۵۷-b۱۹۸) ابتدا به موضوعات جغرافیایی و نجومی پرداخته است. از جمله شرحی از اقالیم، رودها، آب و هوا، ویژگی‌های شهرهای بزرگ و کوچک و مشخصات عالم ملکوت را آورده است (b۱۵۷-a۱۷۳). سپس به موضوعات دیگری از جمله نشانه‌های قیامت (a۱۷۳-b۱۷۹)، مرگ انسان، دوران برزخ (b۱۷۹-a۱۸۴)، دوران قیامت (a۱۸۴-b۱۹۸).

مباحث این بخش به نوعی مبین دیدگاه مؤلف نسبت به تاریخ است. از دیدگاه او، تاریخ آن گونه که پاره‌ای از مورخان می اندیشند صرفاً متعلق به «گذشته» و «حال» نیست، بلکه زمان «آینده» نیز می‌تواند از متعلقات مسائل تاریخ باشد.[۳۱] زیرا هدف نهایی از نوشتن تاریخ این است که با درک درست آن چه که در گذشته روی داده، راه و جهت صحیحی برای حال و آینده بیابیم.[۳۲] از این روست که حیات آینده انسان در دوران بعد از مرگ و آخرت، در حوزه «تاریخ مستقبل» قرار می‌گیرد. بنابراین پرداختن به آخرت در تاریخ نویسی به این منظور است که آگاهی‌های گذشته و حال در جهت تنبه انسان برای یافتن راه آینده باشد. پس پرداختن به گذشته، حال و آینده در تاریخ نویسی برای آن است که انسان در حیات امروزی اخلاقی‌تر زندگی کند. با این وصف، موضوعات مورد بحث مؤلف در سه بخش مذکور از منظر تاریخ نگری این گونه قابل توجیه است که بخش اول و دوم تاریخ گذشته و حال است و قسمت عمده بخش سوم نیز با نگاه به «تاریخِ مستقبل» به رشته تحریر درآمده است.

مؤلف در بخش چهارم (a۲۵۶-b۲۰۱) به مباحثی شبیه آن چه در کتاب‌های سیره و مغازی آمده، اشاره کرده است. از جمله با نگاهی متصوفانه به سیره، شمایل و غزوات حضرت رسول اکرم (ص) پرداخته است.

مؤلف در بخش پنجم یا آخرین بخش کتاب (a۲۹۸-b۲۵۷) به مسائل فقه و اصول می پردازد. البته این مباحث به صورت جدی و گسترده مورد بررسی قرار نمی‌گیرند، بلکه درباره نگاه مذاهب مختلف به این موضوعات به کوتاهی بحث می شود و عموماً نگاه اهل سنت (مذهب مولف)[۳۳] مورد توجه بیشتر قرار می گیرد.

مؤلف در پایان کتاب، اسامی منابع مورد استفاده خود را آورده است.[۳۴] البته علاوه بر این منابع، در لابلای مباحث کتاب نیز می توان به اسامی برخی دیگر از منابع مؤلف برخورد.

مؤلف در تمام این بخش‌ها، دیدگاه و آگاهی‌های جدیدی در دسترس قرار نمی‌دهد، او در واقع آگاهی‌های موجود در منابع را به نحوی گزیده و مختصر در اثر خود به فارسی ترجمه کرده است. منابع مورد استفاده او، به ویژه در میان اهل سنت، از منابع مقبول و امروزه از منابع معتبر و کلاسیک به حساب می آید. اخبار و روایات این منابع محور اصلی مباحث الولدالشفیق است. البته مؤلف موضوعات اصلی منابع فوق را بدون حشو و زوائد آورده است. از این رو مباحث کتاب الولدالشفیق جنبه «دائرة المعارفی» یافته و، بنابراین

◀ تصویر دو صفحه از نسخه خطی کتاب «الولدالشفیق»

قاضی احمد نگیدی پیش از ورود به بحث سلجوقیان بزرگ و سلجوقیان آناتولی، ادعا می‌کند که پیش از این، کتاب مستقلی به نام «سلجوق نامه» تالیف کرده و مباحث مربوط به سلجوقیان الولدالشفیق خلاصه آن کتاب است

آگاهی‌های جدیدی افزون بر اطلاعات منابع مذکور در اختیار ما قرار نمی دهد. اما از نقطه نظر مباحث تاریخی، باید گفت که، بحث های مربوط به سلجوقیان که در قسمت پایانی بخش دوم آمده و نیز مشاهدات و تدقیقات شخصی مؤلف که در جای جای کتاب دیده می شود، بیشتر از آن جهت که منابع دوره بحث کم شمار است، دارای ارزش و اهمیت بسیار است.

بنابراین می توان گفت که الولدالشفیق به جهت ماهیت دایرةالمعارف گونه‌ای که دارد از جهات سیاسی و اجتماعی و دینی اثری است ارزشمند، به ویژه از جهت تجارب شخصی مؤلف که عمدتاً ناظر بر تحولات دینی و اجتماعی دوره خود است. از این رو در تکمیل آن دسته از منابعی که در زمینه های فوق دارای خلاءهای محسوسی هستند، می تواند مفید باشد.

در پایان گفتن این نکته ضروری است که در معرفی حاضر مجال پرداختن به ویژگی های زبانی الولدالشفیق نبود، اما این اثر از جهت زبان و ادب فارسی، به ویژه آثار فارسی که در خارج از قلمرو ایران به رشته تحریر درآمده، نیز حائز اهمیت است. نثر این اثر به جهت آن که تألیف و ترجمه از منابع عربی است، تفاوت بارز و آشکاری با منابع و متونی دارد که در آناتولی به فارسی نوشته شده است.

پی‌نوشت‌ها:

* دانشگاه دوقوز (نهم) ایلول، دانشکده الهیات، گروه تاریخ و هنرهای اسلامی، ازمیر، ترکیه.

** دکترای تاریخ از دانشگاه تهران

1-Anadolu Selçuklulari Devleti Tarihi III, Yay: Feridun Nafiz Uzluk, Ankara 1952, s. III-IV.

۲- این اثر توسط قاضی برهان الدین آنوی (ابومنصور بن مسعود) تالیف شده و در سال ۶۰۸ قمری به حاکم سلجوقی آناتولی عزالدین کیکاووس اول تقدیم شده است. در پایان این اثر راجع به غزنویان، سلجوقیان بزرگ و سلاجقه آناتولی مباحثی آمده است. این قسمت از اثر مذکور با شرح و توضیحات مبسوط از سوی محمد فواد کوپرولی در آخر مقاله مفصل «منابع محلی تاریخ سلاجقه آناتولی» انتشار یافته است.

۳- ناصرالدین حسین بن محمد معروف به ابن بی بی (وفات: حدود ۶۸ق.) در کتاب «الاوامرالعلائیه فی الامورالعلائیه» که بنا به درخواست عطاءملک جوینی به رشته تحریر درآورد، به نوشتن تاریخ سلجوقیان آناتولی از مرگ قلیچ ارسلان دوم (۵۸۸ق.) تا سال ۶۷۹ پرداخته است. این کتاب نخستین بار در سال ۱۹۵۶ میلادی به کوشش عدنان ارزی از سوی بنیاد تاریخ ترک به صورت عکسی به چاپ رسید. مُرسل اوزترک با ترجمه آن به ترکی، در دو جلد اقدام به چاپ آن کرد (۱۹۹۸). اثر ابن بی بی در فاصله سال‌های ۶۸۷-۶۸۰ مختصر شده و این مختصر در سال ۱۹۰۲ از سوی هوتسما در لیدن انتشار یافت. محمد جواد مشکور این مختصر را با عنوان «اخبار سلاجقه روم» در سال ۱۳۵۰ در تهران منتشر ساخت. گفتنی است که اثر ابن بی بی در دوره سلطان مراد دوم عثمانی توسط یازیجی زاده علی به صورت مختصر به ترکی عثمانی ترجمه شده است.

۴- کریم الدین محمود بن محمد آقسرایی، کتاب «مسامرةالاخبار و مسایرةالاخیار» را که در چهار قسمت تدوین کرده در قسمت پایانی آن به حوادث سلجوقیان آناتولی تا سال ۷۲۳ قمری پرداخته است. این اثر به والی ایلخانی آناتولی، تیمورتاش، تقدیم شده است. عثمان توران در سال ۱۹۴۴ میلادی کتاب مزبور را تصحیح انتقادی نموده و با مقدمه‌ای مفصل منتشر نموده است. انتشارات اساطیر در تهران کتاب مزبور را در سال ۱۳۶۲ عیناً و بدون ترجمه مقدمه و تعلیقات ترکی آن افست نموده است. از این کتاب چند ترجمه به ترکی انتشار یافته است.

۵- قاضی احمد نگیدی (ختنی) «الولدالشفیق» را در سال ۷۳۳ تألیف نموده است، به همین سبب او امکان درک سال‌های پایانی

سلجوقیان آناتولی را یافته بود.

۶- «تاریخ آل سلجوق آناتولی» از جمله یکی دیگر از منابع محلی تاریخ سلاجقه آناتولی است. این اثر از ورود طغرل بیگ به بغداد (۴۴۷) شروع می‌شود. و مشتمل بر تاریخ دوران اولین پادشاه سلجوقی آناتولی سلیمان شاه (۴۴۱) تا سال ۶۹۷ است. این اثر نخستین بار توسط فریدون نافذ اوزلوک در آنکارا همراه با ترجمه ترکی آن و به صورت عکسی انتشار یافته است (۱۹۵۲). اثر مذکور همراه با اخبار سلاجقه روم (تألیف ابن بی بی) توسط محمد جواد مشکور در تهران انتشار یافت (۱۳۵۰). این اثر بار دیگر به صورت مستقل توسط نادره جلالی و از سوی نشر میراث مکتوب در سال ۱۳۷۸ انتشار یافت.

۷- کوپرولی با به کار بردن این واژه ماهیت گردآوری شده و ترکیبی بودن کتاب مذکور را نشان داده و بر آن انگشت تأکید نهاده است.

8-Mehmed Fuad Köprülü, "Anadolu Selçuklular? Tarihinin Yerli Kaynaklar?", Belleten, Cilt VII/1, s.25-27, Ankara 1943, s. 391

لازم به ذکر است که مقاله مفصل کوپرولی توسط «جی. لیزر» با یافته‌ها و افزوده‌های جدید با مشخصات زیر به انگلیسی ترجمه شده است:

9-G.Leiser, The Seljuks of Anatolia, their history and culture according to local Muslim sources, Salt Lake City 1992.

Köprülü, Osmanli Devletinin Kurulusu, Ankara 1972 (2. bask?), s. 54-5.

۱۰- برای آگاهی از تألیفات کویمن در باب تاریخ سلجوقیان آناتولی نگاه کنید به مقاله «نگاهی به سیاستنامه چاپ ترکیه، از منظر نسخه شناسی» نوشته علی ارطغرل، (ترجمه نصرالله صالحی)، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، س ۸، ش ۸۷ - ۸۶، ص ۴۲ - ۳۸.

11-Mehmed Altay Köymen, "Türkiye Selçuklulari Tarihine Dair Yeni Bir Kaynak: el-Veledü's-sefik", Belgeler Dergisi, Cilt XV, Sayi 19, Ankara 1993, s. 2-4.

۱۲- کویمن، مقاله مزبور، ص. ۲۲-۵.

13-Erdogan Merçil, "Selçuklular Dönemi ile ilgili Türkiye'deki Kaynak ve Arastirmalar", iran ve Türkiye Arasindaki Tarihî ve Kültürel iliikiler Konulu Makaleler Mecmuas? 1, Tahran 2002, s. 26; ismail Aka, "Mogollar ve Timurlular Devri ile ilgili Türk Kaynaklar?", iran ve Türkiye Arasindaki Tarihî ve Kültürel iliikiler Konulu Makaleler Mecmuas? 1, s. 60.

هر دو مقاله مذکور به فارسی ترجمه شده است. نگاه کنید به: مجموعه مقالات روابط فرهنگی و تاریخی ایران و ترکیه، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و بنیاد تاریخ ترکیه، تهران ۲۰۰۲، صص. ۲۴ و ۵۶.

۱۴- به عنوان نمونه نگاه کنید به کتاب «اوحدالدین کرمانی و حرکت اوحدیه» تألیف دکتر میکاییل بایرام، این اثر به فارسی ترجمه و از سوی نشر مرکز به چاپ رسیده است. مؤلف در بخش‌های مختلف این کتاب بارها به «الولدالشفیق» استناد کرده و بر اهمیت آن تأکید کرده است.

۱۵- محمد امین ریاحی، نفوذ زبان و ادبیات فارسی در قلمرو عثمانی، تهران ۱۳۵۰، صص. ۱۷-۱۶؛ همین مؤلف، زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی، تهران ۱۳۶۹، صص ۱۳۹.

۱۶- عبدالکریم گلشنی، فرهنگ ایران در قلمرو ترکان اشعار فارسی نعیم فراشری شاعر و نویسندهٔ قرن نوزدهم آلبانی، شیراز ۱۳۵۴، ص. IIVX.

۱۷- مهدی درخشان، نثر زبان فارسی در ترکیه و شناسانیدن چند کتاب، مجموعه سخنرانی‌های دومین کنگرهٔ تحقیقات ایرانی (مشهد، ۱۱ تا ۱۶ شهریور ماه ۱۳۵۰)، جلد اول، به کوشش حمید زرین کوب، دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه مشهد، مشهد ۱۳۵۱، ص ۱۰۰.

۱۸- ایرج افشار، «فهرست اجمالی چهل مجموعه»، میراث اسلامی، ایران دفتر پنجم، ناشر: رسول جعفریان، قم ۱۳۷۶، صص. ۶۱۸-۶۱۷.

۱۹- برای دسترسی به نسخه مذکور جهت مقابله و تکمیل نسخه سلیمانیه که در دست تصحیح است با آقای حسن عاطفی و آقای ایرج افشار گفتگو شد، اما این تلاش به نتیجه ای نینجامید، زیرا آقای حسن عاطفی اظهار داشتند که چنین نسخه ای هیچگاه در کتابخانه شخصی ایشان موجود نبوده است. به همین جهت با آقای ایرج افشار تماس حاصل شد تا محل دقیق نسخه در میان «فهرست اجمالی چهل مجموعه» مذکور مشخص شود، اما به علت عدم دسترسی ایشان به یادداشت های اولیه مقاله، این امکان برای روشن شدن محل نسخه بی نتیجه ماند. با این حال راقم این سطور از دست یابی به نسخه ای دیگر از این اثر که سه سال وقت صرف تصحیح آن نموده است. ناامید نیست. از این رو از خوانندگان عزیزی که از وجود نسخه دیگری از الوالدالشفیق مطلع سازند بی نهایت سپاسگزار خواهیم بود. به این منظور در صورت امکان یا با کتاب ماه تاریخ و جغرافیا و یا به طور مستقیم با نگارنده تماس حاصل کنند. (ali.ertugrul@deu.edu.tr)

۲۰- برای مقایسه نگاه کنید v. b۲: چنین گوید بندهٔ مولف نحیف احمد قاضی نبیره ختنی ماضی مترجم تواریخ مضبوط از کتب مغبوط و حواشی مخطوط بتقیید مربوط و تفاسیر سیر و اقاصیص غیر و عبر اصحاب هنر و شوارد درر و غرایب تأویلات کلام سبحانی و عجایب تعویلات مستدیر بنی مکی مدنی و منثور حکم و مسطور کلم و ملتقطات نقبا و مستملحات ادبا و مختارات بلغا و فصحا و مشروحات جماهیر نصحا و معادن توالیف پردازان و دفاتیر سوالف نویسان و محزونات مضنون به نا مظنون فیه و مرموزات ممدوحه...

v. b۳: مفخر ارغ جنکسخان خلاصهٔ آل خاقان الخان بن الخان علاء الدنیاء والدّین غیاث الاسلام والمسلمین قدوه الملوک والسلاطین من فی الارض اثبت الاساطین ملجاء عموم الراجین جنجا(؟) قیام الناجین سلطان بن سلطان ..... ولا زالت سیوف اودائه لرؤس اعدائه ناسخهٔ(؟) وشموس سلطنت علی الکافه طالعه سامعه...

b۴.v: مفخر آل الرشید جایز متصرفات المهدی و الرشید مبوّء قصر المشید لا هل الدراسه حذار الرقیب العتید و السایق و الشهید مجدد تأسیس الدنیا بالرّای السدید و الباس الشدید و الفضل المدید خواجهٔ جهان مزار و مزُور متوجهان غیاث الحق و المله و الدوله و الدین مغیث الاسلام و المسلمین ظهیر الملوک و الخواقین خلاصه الماء و الطین ..... ما علت رایات الوزاره علی النفس الوزّاره وزاره الزاره فی الزاره...

برای آگاهی از تاریخ نوشتن کتاب به ارجاعات ۲۱ و ۲۲ نگاه کنید.

۲۱ ـ برای مقایسه نگاه کنید b۲۴۸. v: من بنده قاضی در نخجوان درون مدرسه و تربه آتابکان نای موی نبوی را از دست دختر اندمین اتابک ایلدُکز رحمهٔ الله روز چهارم محرّم سنه خمس و عشرین و سبعمایه مصحوب مرحوم عز الدین دانیال دانه رحمهٔ الله زیارت کرده معجزات نبوی ازان شعر پیدا دیدم صلی الله علیه محمّد و اله و صحبه...

۲۲ ـ برای مقایسه نگاه کنید a۶. v: کتب تواریخ بازارستان مصر جامع است هر چه خواهی آنجا یابی و بوقت دخول ببازار مطالعهٔ اخبار عاقل ازکردارهاء نیک متقدمین آن چیز خرد که خرد پسندیده دارد و مغبون نیفتد و عاقل متاعی نستاند که از خسران انگشت بدندان کرذ...

۲۳ ـ ن.ک. b۲۹۷.v. وقد تم الفراغ من تالیف هذا الکتاب المشتمل علی الانواع المفصّله یوم الثالث عشر من شهر ذی الحجه آخر ایام التشریق اوّل ایّام البیض بالتحقیق مختتم شهور، سنه ثلث و ثلثین وسبعمایه داخل صفّه زاویه الصدر المغفور الوحیه المشکور نظام الدین احمد بن علی طاب مثواه و بل تراه (؟) بربض محروسهء نکیده حمیت عن المکیده علی یدی المؤلف القاضی المذکور...

۲۴ ـ ن.ک. a۲۹۸.v: هو العبد الضعیف الراجی عفو ربّه اللطیف یوسف بن بنجار بن آلب ارسلان الهرقلی نجارا (؟) و الاقسرآیی دارا احسن الله عاقبته و ادام له لمصلحهٔ عقباهٔ عافیته و وافق الفراغ من نسخه بباطن مدینه دار الظفر؛ ، اقسرا یوم احد الثانی عشر من شهر المکرّم محرّم سنه احدی و اربعین وسبعمایه

۲۵ ـ برگ‌هایی از الولدالشفیق که در اثر پخش شدن مرکب ناخوانا شده از این قرار است: b-a۴۹، b-a۵۲، b-a۵۷، b-a۶۱، b-a۶۸، b-a۷۳، b-a۷۶، b-a۸۳، b-a۱۳۳، b-a۱۳۶.

برگ‌هایی که قسمت هایی از آن‌ها نا خوانا است، ازین قرار است: b-a۸۶، b-a۱۰۲، b-a۱۲۳، b-a۱۲۶.

اگر نسخه دیگری از این اثر یافت شود که از کتابت بهتری برخوردار باشد به طور حتم می‌تواند در جبران نواقص این نسخه مؤثر واقع شود.

۲۶ ـ برای مثال نگاه کنید: a۱۳۶، a۱۸۳، a۲۷۸.

۲۷ ـ ن. ک. b۱.v: هذا الکتاب الجامع المنقول المترجم من العربیه الدریه الی الفارسیّهٔ الدّریّه مشتمل علی خمس مجلدات و فیه من الفواید لا یحصی و ان عدّ عدد الرّمل و الحصی بالاحصآء و هو ذخیره کافیهٔ و خیره وافیه شافیهٔ لمن بعد المؤلّف المذکور داخل الکتاب غیر مره من الاولاد و الاحفاد و به ازالهٔ الضغاین و الاحقاد و هو المسمّی بالولد الشفیق و الحافد الخلیق

۲۸ ـ مثلا ن. ک.: b۷-a۹، a۷۲، b۱۵۷، b۲۰۱، b۲۵۷.

۲۹ ـ نگاه کنید به زیرنوس شماره ۱۹.

۳۰ ـ ن. ک.v. b۱۴۰: و بعد از ان بقصصی که در کتب مورّخ و مدونست ممالک مسطور از متصرفان مذکور بحضرت سلطان محمود بن سبکتکین قرار کرفت بس از وی بسرش سلطان مسعود بران موجب که در سلجوق نامه بنده قاضی مولف ببسط تمام یاذآورد و من بعد خلاصه شکل اینجا هم ذکر خواهد شد

a۱۴۱.v: تنبیه بر اذکار سلجوقیان جون بیش ازین مجلدی کتاب سلجوق نامه بنام شریف امیرش مرحوم مغفور سعید شهید شمس الدّین دندار بک بن حمزه نگیدی نورالله قبره ساخته بطول و عرض انجا عبارات ریخته

۳۱ ـ ن. ک.v. a ۱۷۳: بنده ضعیف را بحجت عظیم مُلزم کرده در خواست فرمود که عقیب فراغ از علم تواریخ بر دو قسم ماضی ما دلّ علی زمان قبل زماننا معیر از اِخبار آخبار اخبار و شرار قرون حالیه و حال دالّ بما نحن فیه ازانچ دیذه بعین الیقین و شنیذه از افعال معاصران اقاصی و اوانی تحریر تحیهء مستقبل آینده را ثالث قسمین مذکورین آورده از ذکر علامات قیامت مما عبر (؟) حصّه الماضی والدی عبری خط المستقبل و موت آتی علی کل شخص وسکرات و هول ان و دخول قبر و احوال برزخ و حشر و نشر و مواقف معدود و باقی معلومات تا ذخول ثقلین بجنت و دوزخ...

۳۲ ـ ن. ک.v. b۵: انک بوقت تواریخ خوانی کاهی که بسطر کوته عمر رسد خود هم از وهم بَهراسد تا مباذا که وی نیز از طول امل بذان عمل افتاده بناکهان بی زاد و راحله ببیابان دور پایان برزخ شیفته‌وار در آمذه مجال رُجعَی بدین صورت تخطیطی محال نماند.

v. b۵: انک بهنکام مطالعه تخته دراز عمر تفکر پیش نهاذه بنهاذ ورزش آن معمر نظر کند اکر بشایستکی مقیم دنیا بوذه است مثل عمرش بتوفیق از حق تعالی بخواهند و اکر نی نه اعتی و الافلا و هذه العبارهٔ صناعهٔ جمله الطاف حلافا لاهل الحلف و الحلاف

v. a۶: انک قصص سالفان بحکم لقد کان فی قصصهم عبرهٔ سوذمند منصوص است...

۳۳ ـ ن. ک. v. b۲۶۸ و v. a۲۸۴: ماسنیان و نزد ماسنیّان

۳۴ ـ b۲۹۷.v ـ a۲۹۸ وکاتب هذالکتاب الجامع لاقانین العلوم و الذوقیه والتفاسیر الحقیقیه والاحادیث الصحیحه والاقاصیص الصریحیّه والاقسام الدینیه المستخرجه من خلاصات زبدکتب شتی (؟) کالبدء لابی زید البلخی والتاریخ الشهابّی و عرایس المجالس الثعالبی والتفسیر الکبیر الامام المجتهد مولانا فخر الدین الرازی و الکشاف الزمخشری و جامع الاصول فی اقاویل الرسل و قوهٔ القلوب لابی طالب المکی و رسالهٔ الاستاذ ابی القسم القشیری و احیاء العلوم للعلامه السعید ابی حامد الغزالی و حقایق العارفین الامام المجدد دین الله تاج الدین، والزیج النجومی والتقسیم العلی و التتمیم العملی و عقاید العقود و اصول الصابونی بانضمام العالمین و کتب الملل و النحل و نثر الدرّ و الفاظ الکفر لابی منصور الماتریدی ومناظرات الذبوسی والمباحثات السّنی (؟) وفروغ الفقه من المؤلف القدسی وتشریح الطبّ وکتب اخری بطول ذکر فردا فردا مما برید علی مایه کتاب معتبر فی الافاق معتمد علیه صحه و متانه بالاتفاق